

## ولادت حضرت زینب سلام الله علیها

زینب کبری (س) روز پنجم جمادی الاول سال ۵ یا ۶ هجرت در مدینه چشم به جهان گشود. خبر تولد نوزاد عزیز، به گوش رسول خدا (ص) رسید. رسول خدا (ص) برای دیدار او به منزل دخترش حضرت فاطمه زهرا (س) آمد و به دختر خود فاطمه (س) فرمود:

دخترم ، فاطمه جان ، نوزادت را برایم بیاور تا او را ببینم فاطمه (س) نوزاد کوچکش را به سینه فشرد، بر گونه های دوست داشتنی او بوسه زد، و آن گاه به پدر بزرگوارش داد. پیامبر (ص) فرزند دلبنده زهرای عزیزش را در آغوش کشیده صورت خود را به صورت او گذاشت و شروع به اشک ریختن کرد. فاطمه (س) ناگهان متوجه این صحنه شد و در حالی که شدیداً ناراحت بود از پدر پرسید: پدرم، چرا گریه می کنی؟!

رسول خدا (ص) فرمود: گریه ام به این علت است که پس از مرگ من و تو، این دختر دوست داشتنی من سرنوشت غمباری خواهد داشت ، در نظرم مجسم گشت که او با چه مشکلاتی دردناکی رو به رو می شود و چه مصیبت‌های بزرگی را به خاطر رضای خداوند با آغوش باز استقبال می کند

در آن دقایقی که آرام اشک می ریخت و نواده عزیزش را می بوسید، گاهی نیز چهره از رخسار او برداشته به چهره معصومی که بعدها رسالتی بزرگ را عهده دار می گشت خیره خیره می نگریست و در همین جا بود که خطاب به دخترش فاطمه (س) فرمود: ای پاره تن من و روشنی چشمانم ، فاطمه جان ، هر کسی که بر زینب و مصایب او بگرید ثواب گریستن کسی را به او می دهند که بر دو برادر او حسن و حسین گریه کند. (۱)

### ولادت و پرورش زینب

درست ترین گفتار آن است که سیدتنا زینب کبری (س) در پنجم ماه جمادی الاولی سال پنجم هجری به دنیا آمده ، و تربیت و پرورش آن مرواری دگران‌بها و بی مان‌ند در کن‌ار پی‌غم‌بر اکرم (ص) بوده ، و در خانه رسالت راه رفته ، و غذای خود را از وجود مطهر زهرای مرضیه(س) تناول نموده، و از دست پسر عموی پیغمبر، امیرالمؤمنین (ع) غذا و خوراک خورده و نمو نموده ، نمو قدسی و پاکیزه ، و با سعادت و نیکبختی ، و پرورش یافته پرورش روحانی و الهی ، و به جامه های عظمت و بزرگی به چادر پاکدامنی و حشمت و بزرگواری پوشیده شده ، و پنج تن اصحاب کساء به تربیت و پرورش و تعلیم و آموختن و تهذیب و پاکیزه گردانیدن او قیام نموده و ایستادگی داشتند، و همین بس است که مربی و مؤدب و معلم او ایشان باشند. (۲)

### گریه جبرئیل بر مصایب زینب (س)

روایت شده است که پس از ولادت حضرت زینب (س)، حسین (ع) که در آن هنگام کودک سه چهار ساله بود، به محضر رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: خداوند به من خواهری عطا کرده است. پیامبر(ص) با شنیدن این سخن، منقلب و اندوهگین شد و اشک از دیده فرو ریخت. حسین (ع) پرسید: برای چه اندوهگین و گریان شدی؟ پیامبر(ص) فرمود: ای نور چشمم ، راز آن به زودی برایت آشکار شود.

تا اینکه روزی جبرئیل نزد رسول خدا (ص) آمد، در حالی که گریه می کرد، رسول خدا (ص) از علت گریه او پرسید، جبرئیل عرض کرد: این دختر (زینب) از آغاز زندگی تا پایان عمر همواره با بلا و رنج و اندوه دست به

گریبان خواهد بود؛ گاهی به درد مصیبت فراق تو مبتلا شود، زمانی دستخوش ماتم مادرش و سپس ماتم مصیبت جانسوز برادرش امام حسن (ع) گردد و از این مصایب دردناک تر و افزون تر اینکه به مصایب جانسوز کربلا گرفتار شود، به طوری که قامتش خمیده شود و موی سرش سفید گردد.

پیامبر (ص) گریان شد و صورت پر اشکش را بر صورت زینب (س) نهاد و گریه سختی کرد، زهرا (س) از علت آن پرسید. پیامبر (ص) بخشی از بلاها و مصایبی را که بر زینب (س) وارد می شود، برای زهرا (س) بیان کرد. حضرت زهرا (س) پرسید: ای پدر! پاداش کسی که بر مصایب دخترم زینب (س) گریه کند چیست؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: پاداش او همچون پاداش کسی است که برای مصایب حسن و حسین (ع) گریه می کند (۳)

### **بشارت تولد زینب و گریه علی (ع)**

هر پدری را که بشارت به ولادت فرزند دادند، شاد و خرم گردد، جز علی بن ابی طالب (ع) که ولادت هر یک از اولاد او سبب حزن او گردید.

در روایت است که چون حضرت زینب متولد شد، امیرالمؤمنین (ع) متوجه به حجره طاهره گردید، در آن وقت حسین (ع) به استقبال پدر شتافت و عرض کرد: ای پدر بزرگوار! همانا خدای کردگار خواهری به من عطا فرموده امیرالمؤمنین (ع) از شنیدن این سخن بی اختیار اشک از دیده های مبارک به رخسار همایونش جاری شد. چون حسین (ع) این حال را از پدر بزرگوارش مشاهده نمود افسرده خاطر گشت. چه، آمد پدر را بشارت دهد، بشارت مبدل به مصیبت و سبب حزن و اندوه پدر گردید، دل مبارکش ره درد آمد و اشک از دیده مبارکش بر رخسارش جاری گشت و عرض کرد: بابا فدایت شوم، من شما را بشارت آوردم شما گریه می کنید، سبب چیست و این گریه بر کیست؟

علی (ع) حسینش را در برگرفت و نوازش نمود و فرمود: نور دیده! زود باشد که سر این گریه آشکار و اثرش نمودار شود. که اشاره به واقعه کربلا می کند. همین بشارت را سلمان به پیغمبر داد و آن حضرت هم منقلب گردید. چنان که در بعض کتب است که حضرت رسالت در مسجد تشریف داشت آن وقت سلمان خدمت ایشان شرفیاب گردید و آن سرور را به ولادت آن مظلومه بشارت داد و تهنیت گفت. آن حضرت بگریست و فرمود: ای سلمان جبرئیل از جانب خداوند جلیل خبر آورد که این مولود گرامی مصیبتش غیر معدود باشد تا به آلام کربلا مبتلا شود، الخ (۴)

### **نامگذاری زینب از طرف خداوند**

هنگامی که زینب (س) متولد شد، مادرش حضرت زهرا (س) او را نزد پدرش امیرالمؤمنین (ع) آورده و گفت: این نوزاد را نامگذاری کنید! حضرت فرمود: من از رسول خدا جلو نمی افتم. در این ایام حضرت رسول اکرم (ص) در مسافرت بود. پس از مراجعت از سفر، امیرالمؤمنین علی (ع) به آن حضرت عرض کرد: نامی را برای نوزاد انتخاب کنید. رسول خدا (ص) فرمود: من بر پروردگارم سبقت نمی گیرم. در این هنگام جبرئیل (ع) فرود آمده و سلام خداوند را به پیامبر (ص) ابلاغ کرده و گفت: نام این نوزاد را زینب بگذارید! خداوند بزرگ این نام را برای او برگزیده است.

بعد مصایب و مشکلاتی را که بر آن حضرت وارد خواهد شد، بازگو کرد. پیامبر اکرم (ص) گریست و فرمود: هر کس بر این دختر بگرید، همانند کسی است که بر برادرانش حسن و حسین گریسته باشد. (۵)

### لقب های حضرت زینب (س)

**الف ) زینب کبری :** این لقب برای مشخص شدن و تمییز دادن او از سایر خواهرانش (که از دیگر زنان امیرمؤمنان به دنیا آمده بودند) بود.

**ب ) الصدیقه الصغری :** چون صدیقه لقب مبارک مادرش ، زهرای مرضیه (س) است ، و از سویی شباهت های بی شماری میان مادر و دختر وجود داشت ، لذا حضرت زینب را صدیقه صغری ملقب کردند.

### ج ) عقیله / عقیله بنی هاشم / عقیله الطالبین :

عقیله به معنای بانویی است که در قومش از کرامت و ارجمندی ویژه ای برخوردار باشد و در خانه اش عزت و محبت فوق العاده ای داشته باشد.

### د) دیگر لقب ها:

از دیگر لقب های حضرت زینب ، موثقه عارفه ، عالمه غیرمعلمه ، عابده آل علی ، فاضله و کامله است . (۶)

---

۱- خطابه زینب کبری (س) پشتوانه انقلاب امام حسین (ع) صفحات ۵۵ - ۵۷ اثر دانشمند محترم محمد مقیمی از انتشارات سعدی ، به نقل از طراز المذهب ، ص ۳۲ و ۲۲.

۲- زینب کبری ، ص ۱۳۹.

۳- الخصائص الزینبیه ، ص ۱۵۵ ناسخ التواریخ زینب (س) ص ۴۷

۴- ناسخ التواریخ حضرت زینب کبری (س)، ج ۱، ص ۴۵ و ۴۶.

۵- فاطمه زهرا (س) دل پیامبر، ص ۸۵۴

۶- ره توشه راهیان نور، ص ۲۵۸.